

نماز در مان دردهای عمده فردی واجتماعی است

## پیام رهبر انقلاب به اجلاس نماز

صفحه ۲

## راه اندازی پلیس مترو

صفحه ۴

شنبه ۲۰ آذر ۱۳۹۵ ■ ۱۰ ربیع الاول ۱۴۳۸ ■ ۱۰ دسامبر ۲۰۱۶ ■ سال نهم ■ شماره ۲۰۴۵ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



۱۱۷۸ سال و ۲ روز گذشت



گلایه وزیر بهداشت از خلف وعده دولت

## ردیف ۱۰ درصد هدفمندی پرداخت نشده!

صفحه ۴

یادداشت امروز

## حد سیری یک کارگزار چقدر است؟

■ امیر استکی ■

اینکه باید کارگزاران حکومتی سیر باشند تا به فساد کشیده نشوند از آن دست بدیهیهایی است که بسیار بسیار مورد سوءاستفاده قرار می گیرند؛ سوءاستفاده‌ای که از کانال متفاوت بودن تعاریف از حداقل‌های مطلوب یک زندگی سرچشمه می‌گیرد و هر چقدر که در آن به جلو برویم به انتهایش نخواهیم رسید، چرا که به قول قدیمی‌ها «دست بالای دست بسیار است» بویژه در روزگار مدرن، مصرف در شکل‌های متفاوت به بازتولید خرجه خود مبادرت می‌کند و در نهایت شرایطی رقم می‌خورد که هر چه مصرف کنیم و بهره‌مند بشیم باز چیزهای زیادی هنوز هست که تجربه‌شان نکرده‌ایم و مایلیم در زمره مصرف‌مان قرار بگیرند. مخلص کلام اینکه حد سیر بودن را زمانی می‌شود متوجه شد که یک چارچوب مشخص از حداقل‌های مطلوب زندگی داشته باشیم، مثلا درآمد روزی یک دلار برای هر نفر را در سطح جهانی درآمدی می‌دانند که می‌تواند یک‌انسان را برای یک روز سیر نگه دارد. این یک دلار با توجه به حداقل‌های زیستی یک انسان تعیین شده است و در تحلیل نهایی او را سیر نگه خواهد داشت ولی بسیار بدیهی است این نوع سیری زیستی آن چیزی نیست که در انگاره سیر نگه داشتن کارگزاران حکومتی مد نظر است. در آنجا یک گستره بالاتر از سطح متوسط جامعه ملاک است. عوایدی که با آن بشود اکثر دغدغه‌های یک انسان را تا حد قابل قبولی برطرف کرد. او را از فکر فرساینده به اینکه ۱۰ یا ۲۰ روز یا یکی - دو ماه دیگر و حتی یک سال دیگر را چه کنم رها سازد و از ترس عدم توانایی در تامین درمان و سلامتی آزاد کند و فضایی را برای او بسازد که بتواند سواي این قبیل دغدغه‌ها به مسائلی دیگر نیز بپردازد؛ ورزش کند، تفریح کند، به مسافرت برود و به مسائل اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی بیندیشد و دست به کنش‌هایی با انگیزه‌های غیرمیشی بزند. برای اینچنین زیستنی یک دلار در روز کفایت نخواهد کرد و قطع یقین حداقل حقوق قانون کار هم کفاف نخواهد داد و شاید اگر در همه مواردی که گفتیم دست پایین را بگیریم با درآمد سالانه ۳۵ میلیون تومان برای یک خانوار ۴ نفره بشود آنگونه زیست. این ۳۵ میلیون تومان درآمدی است که بر مبنای آن بارانه خانوارها قطع خواهد شد. به عبارت دیگر به خانوارهای با درآمدی بیشتر از این مقدار براساس مصوبه هیات دولت یارانه نقدی تعلق نمی‌گیرد. با توجه به این رقم می‌توانیم تصویر واضح‌تری از حد سیری کارگزاران حکومتی را ترسیم کنیم. ما سخاوتمندانه این مبلغ را ۳ برابر می‌کنیم و برای یک مدیر و کارگزار دولتی رقم درآمد سالانه ۱۰۵ میلیون تومان را آستانه سیر بوی‌گی در نظر می‌گیریم یعنی ماهانه ۸۷۵ میلیون تومان. البته طبق نص صریح قانون؛ حقوق مدیران ارشد نمی‌تواند بیش از ۷ برابر حداقل حقوق مصوب سالانه باشد که این رقم کمتر از ۸ میلیون تومان در ماه خواهد بود و با تقریبی که ما در نظر گرفتیم همخوانی دارد اما آنچه در عمل اتفاق افتاده است و منجر به رسوایی فیش‌های حقوقی برای دولت یازدهم شده است بسیار فراتر از این رقم‌هاست. حد سیری سخاوتمندانه‌ای که ملت برای مدیران و کارگزاران دولتی در نظر گرفته است با آنچه خود مدیران و کارگزاران حداقل حق و حقوق خود تصور می‌کنند بسیار متفاوت است؛ سخاوتی که ملت برای به خط‌انفتن مدیران به خرج می‌دهد. بر این اساس زیر خط فقر ذهنی مدیریتی قرار دارد و به نظر می‌رسد ملت باید بیشتر تیغیده شود. همه مشکل اما از همان ذهنیت کارگزاران حکومتی شروع می‌شود. ذهنیتی که با نبرها و مطلوب‌های جامعه ایران فاصله معناداری گرفته است و نشان‌دهنده این مهم است که در جریان داستان فیش‌های حقوقی ما با یک سوءاستفاده محدود مواجه نیستیم بلکه با یک اتفاق نظام‌مند و از دیدگاه دولتیان مشروع سروکار داریم. اینکه در ابتدای روی کار آمدن دولت، ساختمان ریاست‌جمهوری دست‌خوش تغییرات زیادی و از آنچه بود لوکس‌تر می‌شود و میلیاردها تومان خرج بازسازی استخر و سونا و جکوزی- فعال اما نه لوکس از نظر دولتمردان- و امکانات لوکس ورزشی در آن می‌شود...

از دیدگاه دولتیان مشروع سروکار داریم، اینکه در ابتدای روی کار آمدن دولت، ساختمان ریاست‌جمهوری دست‌خوش تغییرات زیادی و از آنچه بود لوکس‌تر می‌شود و میلیاردها تومان خرج بازسازی استخر و سونا و جکوزی- فعال اما نه لوکس از نظر دولتمردان- و امکانات لوکس ورزشی در آن می‌شود...

ادامه در صفحه ۵

## اظهارات ضد ایرانی «ترزا می» در نشست شیوخ مرتجع منطقه در کنار افتتاح رسمی پایگاه نظامی در بحرین حاکی از عود کردن توهم استعماری انگلیس است

# سودای بازگشت به خلیج فارس

صفحه ۱۵



## انتخابات ۳ باره شورای زنان!

■ دکتر زهرا طباحی ■

پس از تحرکات مولاوردی که ظاهرًا با هماهنگی و اجتهاد یکی از اعضای دبیرخانه شورایی انقلاب فرهنگی و نفوذ دفتر رئیس‌جمهور صورت گرفته، بناسبت امروز «آشنه» مجدداً انتخابات برگزار شود. اما اصل درگیری نمایشی بر سر چیست؟

■ **صلاحیت زیرسوال**

ماجرای این قرار است که چند نفر از اعضای منتخب خاتم معاون رئیس‌جمهور برای شرکت در انتخابات ریاست‌شورا، ظاهرًا در مرحله «حراز صلاحیت» ناموفق بوده‌اند. بر همین اساس وی تلاش کرده با هدایت و همراهی یکی از اعضای دبیرخانه، با استناد به آیین‌نامه‌های مجهول، از استعلام نهادهای مسؤول پیرامون صلاحیت نیروهای خود جلوگیری کند. این در حالی است که پس از تایید انتخابات برای بار دوم، دکتر حسن روحانی در جلسه شورایی انقلاب فرهنگی بر احراز هویت همه نامزدها مکرر تاکید کرده‌اند و این موضوع در صورت‌جلسه‌شورا نیز ثبت شده است. برخی اعضای شورایی انقلاب فرهنگی معتقدند تحرکات فرد مورد نظر در دبیرخانه شورایی با توجه به برخی مسائل مالی و روابط خاص با چند نفر از اعضای سیاسی نزدیک به دولت در پرورده بورسیه‌ها و حقوق‌های نجومی نیازمند «تحقیق و تفحص» است. گمانه‌ها حاکی از آن است چند نفر از اعضای مورد نظر مولاوردی، در پرورده «هما هودفر» فمینیست عضو شبکه ضدامنیتی «ولوم» که اخیرا پس از چند ماه بازداشت به علل بشردوستانه و بنا بر ملاحظه بیماری وی آزاد شد، مرتبط بوده و میزبانی وی در سفر به ایران را عهده‌دار بودند. بر همین اساس با توجه به عضویت در برخی سمن‌های مشکوک، حمایت مکتوب از سران فتنه، صلاحیت آنها هم‌کنون در استعلام از یک نهاد امنیتی رد شده و نهاد دیگر نیز با توجه به مفاد مشهود در پرورده، فعلاً از اظهارنظر صریح پرهیز کرده است.

■ **از هودفر تا هیفوس**

بنیاد ولوم-WLUMI- به همراه دیگر بنیاد هلندی «هیفوس» که زیر نظر وزارت خارجه هلند فعالیت می‌کند، در پوشش «همکاری‌های به‌ظاهر انسان‌دوستانه» و اجرای پروژه «توانمندسازی زنان» تحت حمایت شبکه امیدیار، بنیاد فورد، گروه آتیه خاندان نمازی، دانشگاه سواز لندن و... برنامه‌های خود را در حوزه‌های زنان پیش می‌برد. در سیاست‌های این بنیاد هلندی تاکید شده که برنامه‌ها و کمپین‌های آن باید مبتنی

پس از تحرکات مولاوردی که ظاهرًا با

هماهنگی و اجتهاد یکی از اعضای دبیرخانه شورایی انقلاب فرهنگی و نفوذ دفتر رئیس‌جمهور صورت گرفته، بناسبت امروز «آشنه» مجدداً انتخابات برگزار شود. اما اصل درگیری نمایشی بر سر چیست؟

■ **صلاحیت زیرسوال**

ماجرای این قرار است که چند نفر از اعضای منتخب خاتم معاون رئیس‌جمهور برای شرکت در انتخابات ریاست‌شورا، ظاهرًا در مرحله «حراز صلاحیت» ناموفق بوده‌اند. بر همین اساس وی تلاش کرده با هدایت و همراهی یکی از اعضای دبیرخانه، با استناد به آیین‌نامه‌های مجهول، از استعلام نهادهای مسؤول پیرامون صلاحیت نیروهای خود جلوگیری کند. این در حالی است که پس از تایید انتخابات برای بار دوم، دکتر حسن روحانی در جلسه شورایی انقلاب فرهنگی بر احراز هویت همه نامزدها مکرر تاکید کرده‌اند و این موضوع در صورت‌جلسه‌شورا نیز ثبت شده است. برخی اعضای شورایی انقلاب فرهنگی معتقدند تحرکات فرد مورد نظر در دبیرخانه شورایی با توجه به برخی مسائل مالی و روابط خاص با چند نفر از اعضای سیاسی نزدیک به دولت در پرورده بورسیه‌ها و حقوق‌های نجومی نیازمند «تحقیق و تفحص» است. گمانه‌ها حاکی از آن است چند نفر از اعضای مورد نظر مولاوردی، در پرورده «هما هودفر» فمینیست عضو شبکه ضدامنیتی «ولوم» که اخیرا پس از چند ماه بازداشت به علل بشردوستانه و بنا بر ملاحظه بیماری وی آزاد شد، مرتبط بوده و میزبانی وی در سفر به ایران را عهده‌دار بودند. بر همین اساس با توجه به عضویت در برخی سمن‌های مشکوک، حمایت مکتوب از سران فتنه، صلاحیت آنها هم‌کنون در استعلام از یک نهاد امنیتی رد شده و نهاد دیگر نیز با توجه به مفاد مشهود در پرورده، فعلاً از اظهارنظر صریح پرهیز کرده است.

بنیاد ولوم-WLUMI- به همراه دیگر بنیاد هلندی «هیفوس» که زیر نظر وزارت خارجه هلند فعالیت می‌کند، در پوشش «همکاری‌های به‌ظاهر انسان‌دوستانه» و اجرای پروژه «توانمندسازی زنان» تحت حمایت شبکه امیدیار، بنیاد فورد، گروه آتیه خاندان نمازی، دانشگاه سواز لندن و... برنامه‌های خود را در حوزه‌های زنان پیش می‌برد. در سیاست‌های این بنیاد هلندی تاکید شده که برنامه‌ها و کمپین‌های آن باید مبتنی

تحرولات در حوزه مدیریت و هدایت جامعه زنان کشورمان هم‌زمان با اعلام رسمی برنامه آژانس توسعه فراملی آمریکا و به تبع آن همراهی سازمان ملل برای «زنانه کردن جنبش‌های لیبرالیستی» بویژه در کشورهای مسلمان، افزایشی چشمگیر داشته است. برای درک تحرک انبوه جهانی در این حوزه و اطلاع از اعلام برنامه نظام غربی لازم نیست راه دوری برویم... مرور مطالب منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی توسط معاون رئیس‌جمهور در حوزه زنان مؤید این موضوع است. از کمپین نازنجی گرفته تا کنفرانس «زنان مسلمان و صلح جهانی» و بحث «برابری جنسیتی» و زمینه‌سازی برای «تغییر قوانین قضایی» و!...

نگته اصلی بحث «فسود در جوامع زنان مسلمان» به نام توانمندسازی فمینیستی یا هر نحله زنانه دیگری که از غرب در طول دهه‌های متمادی سر برآورده این است که تاکنون «لیبرالیسم» به عنوان مهم‌ترین و جدی‌ترین رقیب مدعی و در حال جنگ با اسلام، موفق نشده آرامش، خوشبختی و امنیتی مثال‌زدنی را حتی در یک جامعه کوچک اروپایی به عنوان نمونه‌ای آرمانی ارائه دهد.

شعارهایی همچون «برابری جنسیتی» به عنوان مبنای اساسی طرح «توانمندسازی زنان» بنا بسود با آزادی زن از چارچوب خانواده، آنها را مستقل از نهادها و نقش‌های اجتماعی، به خوشبختی و آرامشی مثال‌زدنی برساند. نتیجه این شد که خود «فمینیسم» به عنوان مادر طرح لیبرالیستی «توانمندسازی اجتماعی- اقتصادی زنان» تاکنون برای حفظ اندک هواداران خود، پس از بروز مشکلات اجتماعی و فردی بسیار برای جامعه زنان، ناچار به ایجاد دست‌کم ۵ نسل تغییرات در اصول خود شده است! به‌رغم فاش بودن سابقه همه حرکت‌های زنانه در غرب و فروپاشی خانواده به عنوان مقدس‌ترین نهاد اجتماعی در جوامع بانی و مجری چنین طرح‌هایی، کماکان اصرار بر برهم زدن «اعتدال زنانه جوامع مسلمان» به نام اجرای «نسخه برتر» وجود دارد.

■ **کلید تسلط بر ساختار**

طبیعتاً این برنامه‌ریزی جهانی بدون دسترسی به شبکه اجرایی در داخل کشور، ابتر و بی‌نتیجه بر زمین خواهد ماند. دقیقاً به همین دلیل است که تسلط بر «شورای فرهنگی- اجتماعی زنان» در شورایی انقلاب فرهنگی به عنوان مرکزی با اختیارات عالی از جمله تصویب قوانین و برنامه‌های ملی بدون نیاز به تایید شورای نگهبان، مهم و حیاتی قلمداد می‌شود. تاکنون هر برنامه فمینیستی یا لیبرالیستی که احیاناً در سایر

تحرولات در حوزه مدیریت و

هدایت جامعه زنان کشورمان هم‌زمان با اعلام رسمی برنامه آژانس توسعه فراملی آمریکا و به تبع آن همراهی سازمان ملل برای «زنانه کردن جنبش‌های لیبرالیستی» بویژه در کشورهای مسلمان، افزایشی چشمگیر داشته است. برای درک تحرک انبوه جهانی در این حوزه و اطلاع از اعلام برنامه نظام غربی لازم نیست راه دوری برویم... مرور مطالب منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی توسط معاون رئیس‌جمهور در حوزه زنان مؤید این موضوع است. از کمپین نازنجی گرفته تا کنفرانس «زنان مسلمان و صلح جهانی» و بحث «برابری جنسیتی» و زمینه‌سازی برای «تغییر قوانین قضایی» و!...

نگته اصلی بحث «فسود در جوامع زنان مسلمان» به نام توانمندسازی فمینیستی یا هر نحله زنانه دیگری که از غرب در طول دهه‌های متمادی سر برآورده این است که تاکنون «لیبرالیسم» به عنوان مهم‌ترین و جدی‌ترین رقیب مدعی و در حال جنگ با اسلام، موفق نشده آرامش، خوشبختی و امنیتی مثال‌زدنی را حتی در یک جامعه کوچک اروپایی به عنوان نمونه‌ای آرمانی ارائه دهد.

شعارهایی همچون «برابری جنسیتی» به عنوان مبنای اساسی طرح «توانمندسازی زنان» بنا بسود با آزادی زن از چارچوب خانواده، آنها را مستقل از نهادها و نقش‌های اجتماعی، به خوشبختی و آرامشی مثال‌زدنی برساند. نتیجه این شد که خود «فمینیسم» به عنوان مادر طرح لیبرالیستی «توانمندسازی اجتماعی- اقتصادی زنان» تاکنون برای حفظ اندک هواداران خود، پس از بروز مشکلات اجتماعی و فردی بسیار برای جامعه زنان، ناچار به ایجاد دست‌کم ۵ نسل تغییرات در اصول خود شده است! به‌رغم فاش بودن سابقه همه حرکت‌های زنانه در غرب و فروپاشی خانواده به عنوان مقدس‌ترین نهاد اجتماعی در جوامع بانی و مجری چنین طرح‌هایی، کماکان اصرار بر برهم زدن «اعتدال زنانه جوامع مسلمان» به نام اجرای «نسخه برتر» وجود دارد.

■ **کلید تسلط بر ساختار**

طبیعتاً این برنامه‌ریزی جهانی بدون دسترسی به شبکه اجرایی در داخل کشور، ابتر و بی‌نتیجه بر زمین خواهد ماند. دقیقاً به همین دلیل است که تسلط بر «شورای فرهنگی- اجتماعی زنان» در شورایی انقلاب فرهنگی به عنوان مرکزی با اختیارات عالی از جمله تصویب قوانین و برنامه‌های ملی بدون نیاز به تایید شورای نگهبان، مهم و حیاتی قلمداد می‌شود. تاکنون هر برنامه فمینیستی یا لیبرالیستی که احیاناً در سایر

تیتربهای امروز

واکنش محمد جواد ظریف به مصوبه تمدید ۱۰ ساله تحریم‌های ISA علیه ایران

## پایبندی به برجام به نفع آمریکاست



صفحه ۲

حذف یک صفر پول ملی در زمان به اوج رسیدن مشکلات اقتصادی چه ضرورتی غیر از انحراف افکار عمومی دارد؟

## تدبیر صفر!

صفحه ۳

علی باقرزاده، شاعر و از یاران خراسانی رهبر انقلاب دار فانی را وداع گفت

## «بقا» ز جمع رفیقان آن زمان هم رفت

صفحه ۱۳

موافقت پارلمان با استیضاح «پارک» به‌دلیل سوءاستفاده نزدیکان

## رئیس‌جمهور گره جنوبی تعلیق شد

صفحه ۱۵

نگاه‌امروز

## بازی دولت با صفرها

■ سعید حاجی‌پور ■

سال ۸۸ بود که دولت وقت تحت عنوان «طرح تحول اقتصادی» بحث تغییر واحد پول ملی را مطرح کرد. آن زمان سخن از «حذف ۳ صفر» بود که اگر پیشروانه اقتصادی و ارزی‌اش فراهم می‌بود و شرایط اقتصادی ثبات داشت و می‌شد بعد از حذف صفرها تورم را کنترل کرد، می‌توانست تحول بزرگی در نظام پولی کشور و ارزش پول ملی حاصل کند اما در نهایت آن طرح به سرانجامی نرسید و فراموش شد. در روزهای اخیر پس از گذشت چند سال، دولتمردان تدبیر و امید با تصویب «لایحه قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» به دنبال اجرای طرحی مشابه آن هستند با این تفاوت که براساس مسودی از این لایحه به‌جای حذف ۳ صفر از واحد پول کشور، تنها می‌خواهند «تومان» را برابر «۱۰ ریال» تعیین کنند، یعنی کاری که قبلاً مردم خود انجام می‌دادند آنگشت روی صفر آخر اسکناس‌ها گذاشتن! از دولت اعمال کند و رئیس کل بانک مرکزی هم می‌گوید تغییر واحد پول ملی از «ریال» به «تومان» صرفاً اقدامی برای تسهیل نسبی مبادلات اقتصادی آحاد جامعه است و حذف یک صفر آثار روانی و تورمی ندارد و قائم‌مقامش خبر داده تغییرات اسکناس‌ها از سال آینده آغاز می‌شود.

طرحی که تغییرری در وضعیت اقتصادی کشور حاصل نمی‌آورد اما طبیعتاً از هفته‌های آینده بحث قابل تاملی برای محافل اقتصادی خواهد شد و رسانه‌ها و مردم را مشغول خود خواهد کرد تا مضرات و فواید آن لیست شود و مورد مباحثه و ارزیابی قرار گیرد.

درست است اجرای این قبیل طرح‌ها و حذف صفر از پول ملی در دیگر کشورها نیز سابقه دارد به‌گونه‌ای که آلمان در سال‌های پس از جنگ اول جهانی ۱۲ صفر و ترکیه سال ۲۰۰۵ میلادی ۶ صفر را از پول ملی خود حذف کردند. درست است کشور ما نیز نیاز به اصلاح واحد پول ملی دارد و در این مساله شکی نیست و در بین علمای اقتصاد در این موضوع اتفاق نظر وجود دارد اما این کار باید با حذف ۴ یا ۳ صفر انجام شود و نه کمتر! درست است بنظر می‌رسد الزامات اجرای این طرح نیز در کشور ما مغفول مانده است که اساساً یکی از اصلی‌ترین شرایط برای اجرای چنین طرحی، وجود ثبات اقتصادی است و بی‌ثباتی و افزایش مداوم قیمت کالاها و خدمات می‌تواند عملاً آثار حذف صفر را از بین ببرد.

ادامه در صفحه ۱۵